

هو الله - ای بشیر الهی نامه تو چون دیوان محامد و نعوت...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۶

هو الله

ای بشیر الهی نامه تو چون دیوان محامد و نعوت جمال مبارک بود نهایت فرح و سرور بخشید هر کلمه یک آیت طربی است یک کلمه تار و طنبور است یک کلمه مزامیر آل داود یک کلمه چنگ و چغانه است یک کلمه غزلقوانی و ترانه یک دست موسیقی مکمل است که مستمعین را به وجد و سرور میآرد. آهنگ تو در آنجا میزنی و عاشقان را در اینجا به وجد و طرب آری. الحمد لله که نامه مشکین و الفاظ و کلمات ملیح و نمکین برهان اتحاد و اتفاق احباً بود که عموماً مشتعلاً منجذباً متحداً متفقاً به اعلاء کلمه الله و نشر نفحات الله و تبلیغ امر الله مشغول احدی ملالی ندارد. چهار صفحه که به خط مبارک حضرت اعلی روحی له الفداء انعام به عبدالبهاء نموده بودی رسید از در و دیوار آهنگ و طربی و طربی بلند شد و آغاز نغمه و ترانه نمودند عبدالبهاء در گوشه ای استماع این نغمات مینمود احسنت احسنت که ما را به این هدیه دلپسند خوشنود نمودی.

اما تبدیل هوا در شمیران در مرغ محله موهبت رحمن است آن مکان محله مرغان نیست آشیانه عنقاء مشرق است و لانه سیمرخ کوه قاف. زیرا جمال مبارک روحی لاجبائنه الفداء در آن مزرعه پاک مطهر یک سال در تابستان منزل و مأوی فرمودند در باغ حاجی باقر که سه طبقه بود و مسلط به دریاچه محل سریر ملیک ملکوت بود، و در بدایت امر بود در وسط دریاچه تخت بزرگی از سنگ زده بودند در وسط



ORIGINAL



AUDIO

تخت سرپرده و اطراف تخت باغچه قریب صد و پنجاه نفر از احباً مجتمع شب آهنگ تقدیس بود که به ملاً
اعلی میرسید بسیار خوش گذشت همیشه جمال مبارک ذکر آن مکان را میفرمودند حال خدا چنین
مکانی را به تو داده شکر کن خدا را که با یاران در آن مکان به ذکر و ثنای ربّ جمیل پرداختی هر قدر
دلت میخواست آواز خواندی و احباً را به وجد و نشاط آوردی. و علیک البهآء الأبهی. عبدالبهآء عبّاس
۱۶ ذی الحجّه ۱۳۳۷.

